

گفت و گو
 در حافظه باغبان قدیمی آرامگاه فردوسی، کاج و سرو زندگی می کند
بادرخت های آرامگاه پیر شدم



زینبی آرامگاه فردوسی سال ۱۳۴۳ بازسازی شد. اما درختان آن از سال ۱۳۱۳ همراه با زمان پیش آمده و عمر کهنه کرده اند، به خاطر همین، بافت گیاهان آرامگاه یکدست نیست. تعداد کمی از آن ها، خط عمرشان به ۸۰سال می رسد. بعضی شصت ساله اند. برخی دیگر دهه پنجم عمر خود را پشت سر می گذارند. درختان چهل و سی ساله هم در آن میان خودی نشان می دهند. درختان جوان تر و نهال ها نیز در میان باغچه ها زیر سایه درختان کهن سال برای رسیدن به نور و قامت کشیدن تلاش می کنند. شناسنامه همه این درختان در ذهن «محمدعلی درزایی، حک شده است. او نخستین درخت هایی را که در این محوطه کاشته است، به خاطر دارد. پیش از او «حاج رضاعت شاهی» که سابقه باغبانی اش از درزایی بیشتر بوده است، معروف به «حاج رضا باغبان»، حضور داشته است. پس از حاج رضا، مسئولیت باغبانی آرامگاه به درزایی و «سلاطین» سپرده می شود تا درزایی ۱۰ سال پس از بازنشستگی همچنان مشغول به کار باشد.

● در مراسم فردوسی شرکت کردم

خوبی محله فردوسی که محدوده منفصل شهری در منطقه ۱۲ است، به حضور کسانی است که تا ریخچه زنده آرامگاه فردوسی هستند. هنوز پایه سن گذشته های هشتاد ساله ای در این محله زندگی می کنند که می توانند ادعا کنند موقع دفن فردوسی بر مزار این شاعر پارسی گوی حاضر شده اند و یادست خودشان، استخوان های حکیم بزرگ توس را توی خاک گذاشته اند. درزایی یکی از این افراد است. کسی که وقتی سر صحبت باز می شود، می گوید: آن زمان مهندس گیو جودت و شرکت کا.ج.ت همه سنگ ها را شماره گذاری کردند. خبری از جرثقیل نبود و با سیم بکسل سنگ ها را پایین کشیدند و توی محوطه باغ گذاشتند. وقتی که همه سنگ ها را برداشتند به سنگ قبر رسیدند. قبر را شکافتند و استخوان ها را توی یک کیسه گذاشتند و در ساختمان انبار قرار دادند. بعد خاک برداری کردند و پایین را ساختند. آن زمان بابتن آرمه ساختمان را بالا بردند. من همه آن سال ها اینجا بودم. ۱۳۴۷. ساختن تمام و افتتاح شد.

● کهن سال اما همچنان پای کار فردوسی!

پیرمرده که چهره اش نور دارد و کهن سالی نتوانسته خطوط چهره اش را در هم گره بزند، بیش از ۴۰سال باغبان آرامگاه حماسه سرای بزرگ ایران زمین بوده است و می تواند خط و ربط اتفاقاتی را که در دوره های زمانی مختلف، چهره کنونی این باغ ۶هکتاری را رقم زده است، بیان کند. او که سال های زیادی همسایه فردوسی است، با وجود کهولت سن، قدم های کوتاه و نفس تنگ، درخواست ما را خیلی زود اجابت می گوید و در محوطه آرامگاه حاضر می شود. او درباره اینکه چطور شد رفافت شصت ساله اش با فردوسی آغاز شد، می گوید: من زمانی که ساخت اینجا شروع شد در کارخانه آسفالت بیرون آرامگاه مشغول به کار بودم. به مهندس گیو جودت گفتم اگر اجازه می دهید به فضای سبز بروم. گفت تو اینجا باش، هر زمان که کار آسفالت ریزی تمام شد و همه وسایل کارخانه را جمع کردیم، توبه فضای سبز برو. حدود ۶ماه آسفالت باغ و بولوار و هارونیه تمام شد و ساعت ۱۰صبح بود که من را پیش حاج رضا، سر باغبان آرامگاه، برد و توصیه کرد از این تاریخ، درزایی در قسمت فضای سبز باشد. پیش از این من کار باغبانی نکرده بودم و این کار را در آرامگاه فردوسی آموختم. کشاورزی کرده بودم، ولی باغ داری را در اینجا آموختم.

● درختان سرسخت می کاشتیم

از حدود ۶۰سال پیش، به مدت ۴۰سال درزایی باغبان آرامگاه بوده است و می تواند ادعا کند که حتی بذر کاج های بولوار شاهنامه را خودش کاشته است. می گوید: پیش از انقلاب بیشتر درخت ها چنار بود. بعد از بازسازی آرامگاه در سال ۴۷ بسیاری از درختان خشک شدند. آن زمان در بیشتر محوطه سرو و کاج هم بود. اسم درختان دیگر را فراموش کرده ام. گریزم هم خیلی کم بود. پس از بازسازی آرامگاه بسیاری از نهال های کاج را خودم کاشتم. نهال کاج های توی بولوار را خودم در زمین نشاندم. آن ها اکنون بیشتر از ۵۰سال عمر دارند.

چنارهای قدیمی آرامگاه در کنار مجسمه فردوسی و روبه روی رستوران است. درزایی درباره اینکه چرا کاج و چنار از فضای سبز آرامگاه جداشدنی نیست، می گوید: این درختان سرسخت با آب و هوای منطقه همخوان است. اینجا درخت میوه به بار نمی نشینند. زمین اینجا دق و سفت است. دوسه سال ابتدایی که نهال کاشته می شود و هنوز ریشه به زمین نرفته می ماند، اما همین که درخت به زمین می رود، درخت می میرد. مادر خانه ها خیلی کم درخت داریم. درخت توت و چنار هست که کم آب و سرسخت هستند.

● چمن از سال ۴۷ باب شد

او درباره کاشت چمن که قدمتی اندازه ساختمان مقبره فردوسی دارد، می گوید: زمانی که شرکت کار اینجا را تمام کرد، چمن کاری کردند. آن زمان بارندگی هم خوب بود. از طرفی یک موتورخانه در باغ و یک چاه عمیق وسط بولوار بود و به همین دلیل کمبود آب نداشتیم. چمن را روزی یک بار آب می دادیم. آن موقع هشت کارگر زیر نظرم بودند که صبح تا ظهر باغ را آبیاری می کردند و عصر آن ها را به بولوار می فرستادم تا آنجا را آبیاشی کنند.

پیرمرد باغبان ادامه می دهد: آن زمان کسی نبود که بخواد برای فضای سبز آرامگاه تصمیم بگیرد. خود باغبان تصمیم می گرفت که چه گیاهی را بکارد. مدیرهایی که من با آن ها کار می کردم، یکی شان به من دستور نمی داد که چه کار کنم. نگاه می کردم که کدام درخت ماندگاری بیشتری دارد و همان را می کاشتم. درزایی، ما را به دیدار یکی از درختان سروی می برد که حالا قلمتش سر به آسمان ساییده است. هر چه پیرمرد زور بازوی جوانی را در میانه راه رسیدن به کهن سالی جا گذاشته، درخت ها قد کشیده اند و جان گرفته اند. او را کنار حاصل دسترنج خودش می بریم تا عکسی به یادگار از او بگیریم.

شکر



خبراسپانت

آیا پوشش گیاهی آرامگاه حکیم توس، نشانه‌ای از باغ ایرانی و گیاهان بومی در خود دارد؟

فردوسی ایرانی در حصار گیاهان خارجی



عکس:مهرداد اشهرآز

محیط پیرامون آن می تواند به زیاسازی آن کمک کند و از سوی دیگر، این نگرانی را به وجود می آورد که اشتباهاتی که در پوشش گیاهی آرامگاه اتفاق افتاده، در جلوخان نیز تکرار شود. وجود تیم تحقیقاتی گیاه شناسی در کنار طراحان و مجریان شهری، یک موضوع جدی و قابل تأمل است که می تواند از تکرار اشتباه جلوگیری کند.

فضای سبز جلوخان به شهرداری منطقه ۱۲ سپرده شده است. شهرکی، معاون فضای سبز شهرداری این منطقه، درباره پوشش گیاهی محوطه جلوخان و میزان انطباق آن با گیاهان بومی و ملی ایرانی توضیحاتی ارائه می کند: طرح جلوخان از سوی مشاور ارائه شده است و ما آن را اجرا کرده ایم. در طراحی نیز تلاش شده است شباهت این محوطه به باغ ایرانی و همچنین محوطه آرامگاه حفظ شود و فقط معابر آن وسیع تر در نظر گرفته شده که به دلیل تردد در زمان های شلوغ است. فرصت ما برای مانور تحقیقاتی در این منطقه گردشگری کم است و ما باید از گونه هایی استفاده کنیم که یا بومی هستند یا در این منطقه با توجه به شرایطی که دارد، ماندگار شده اند. گونه های ضعیف در شرایط آرامگاه دوام نمی آورد. در بعضی از باغچه های کناری گیاهانی را به صورت آزمایشی می کاریم تا در صورت سازگاری در سطح وسیع استفاده شود. باید در نظر داشت هر قدر یک گیاه بومی و ملی باشد، وقتی با محیط سازگار نشود، نمی توان از آن استفاده کرد.

معاون فضای سبز منطقه ۱۲ درباره محدودیت هایی که برای استفاده از بسیاری از گونه ها در این محدوده دارند، می گوید: مقاومت گونه های گیاهی در محیط برای ما در اولویت است. این محدوده بسیار وسیع و باز است و باد های زمستانی و سرمای زیاد در آن وجود دارد. در برابر این شرایط بعضی از گونه ها مانند یاس هلندی نمی توانند مقاومت کنند. سرو شیراز که در مسیر اصلی به آرامگاه کاشته شده، نیز دچار سرمازدگی شده است. دمای محدوده آرامگاه با داخل شهر مشهد بین ۱۰ تا ۱۵ درجه اختلاف دارد که این کار را برای ماسخت می کند. از سویی در این منطقه آب و خاک شور است و کم آبی وجود دارد. همه این عوامل باعث شده است بسیاری از گیاهان در این محدوده نتوانند مقاومت کنند.

شهرکی اطلاعاتی را نیز درباره درختانی که در جلوخان کاشته شده است، ارائه می کند: تلاش کردیم که در این پوشش گیاهی، درختان افرا، توت، چنار و آقا قیای قدیمی آن حفظ شود. این درختان قدیمی با بلغ بر ۱۲۸۰ صله هستند که حاشیه دو سوی جلوخان را پوشش داده اند. اکنون حدود ۲هزار و ۱۳ صله درخت در ۱۵ هکتار از گونه های توت زینتی، کاج تهران، کله قندی و سرو شیراز کاشته شده است که در محوطه آرامگاه نیز وجود دارد.

او درباره استفاده از چمن در پوشش گیاهی جلوخان نیز می گوید: ما ۳۳ باغچه داریم؛ در تعدادی از آن ها، فرانکینیا را جایگزین چمن کردیم که در برابر آبیاری هفته ای یک بار نیز مقاومت می کند. این پوشش در بعضی از بخش ها با تنها جم گیاه قیاق روبه رشد و مجبور شدیم آن را جمع آوری و با چمن جایگزین کنیم. چمن با توجه به تراکم زیاد در برابر علف هرز مقاومت می کند. از گیاه پنج انگشتی نیز برای گیاه پوششی استفاده کردیم که با توجه به شرایط محیطی پاسخ نداد. البته برای استفاده از چمن، مسئله آب جدی است و ما تلاش می کنیم با مدیریت آب و آبیاری تحت فشار آن را کنترل کنیم.

باغ گیاه شناسی داشته باشد و محققان و دانشجویان در آن باغ، تحقیقات لازم را برای انتخاب گونه های مناسب آن اقلیم انجام بدهند. این کار توسط یک نفر امکان پذیر نیست، کاری که برای نجات زیست بوم ایران از شر گیاهان خارجی و مهاجم، ضروری به نظر می رسد.

او درباره گیاهان مناسب برای کاشت در محوطه آرامگاه حکیم توس نیز می گوید:

باید گروه های کارشناسی این مسئله را

با توجه به آب و هوای آن منطقه و وضعیت خاک بررسی کنند و گیاهان بومی سازگار با آن را پیشنهاد بدهند. مسئله این است که استفاده از گونه های خارجی راحت است و

این گیاهان ممکن است همه جا و هر شرایطی رشد کنند، اما گونه های بومی در شرایط مناسب خودشان رشد می کنند و باید با بررسی دقیق، اقدام به کاشت گیاهان ایرانی کرد. برای کاشت گیاهان بومی نمی توان فرمول کلی ارائه کرد.

۲درخت آرس به تازگی در آرامگاه فردوسی کاشته شده است



او درباره استفاده از چمن در پوشش گیاهی جلوخان نیز می گوید: ما ۳۳ باغچه داریم؛ در تعدادی از آن ها، فرانکینیا را جایگزین چمن کردیم که در برابر آبیاری هفته ای یک بار نیز مقاومت می کند. این پوشش در بعضی از بخش ها با تنها جم گیاه قیاق روبه رشد و مجبور شدیم آن را جمع آوری و با چمن جایگزین کنیم. چمن با توجه به تراکم زیاد در برابر علف هرز مقاومت می کند. از گیاه پنج انگشتی نیز برای گیاه پوششی استفاده کردیم که با توجه به شرایط محیطی پاسخ نداد. البته برای استفاده از چمن، مسئله آب جدی است و ما تلاش می کنیم با مدیریت آب و آبیاری تحت فشار آن را کنترل کنیم.

گذاشته است و مانیز باید این حساسیت را داشته باشیم که در آرامگاه او که نمادی برای همه ایرانی هاست، درختان ملی بومی خود را استفاده کنیم. این اتفاق تا کنون نیفتاده است اما جایگاه فردوسی آن قدر رفیع است که روی گیاهان بومی خودمان کار کنیم و در آرامگاه او بیشتر از آن ها استفاده کنیم.

دانشگاه ها باید پای کار بیایند

حسین آخانی، استاد گیاه شناسی دانشکده زیست شناسی دانشگاه تهران و فعال محیط زیست، از جمله کسانی است که معتقد است باید به کاشت گونه های ایرانی در فضای سبز توجه جدی کرد. او چند وقت پیش، از کاشت زعفران در محوطه برج میلاد و مزیت های کاشت این گیاه ایرانی سخن گفته بود. این فعال محیط زیست کاشت گیاهان بومی را مستلزم بررسی زیست بوم هر منطقه می داند و می گوید: ایران دارای تنوع بسیار زیاد محیط های طبیعی است و اختلاف ارتفاع از سطح دریا در ایران بسیار زیاد است. نمی توان یک نسخه واحد را برای همه شهرهای ایران پیچید تا همه از آن تبعیت کنند. این مسئله نیازمند تحقیق و بررسی هر منطقه است تا با توجه به اقلیم مرتبط با آن، گیاهان سازگار با محیطش پیشنهاد شود. دولت باید از دانشگاه ها بخواهد تا هر دانشگاه در هر شهر یک

مطالیه می کنند و بر محیط به شیوه های مختلف تأثیر می گذارند. این گیاهان گاهی حالت مهاجم پیدا می کنند و روی گیاهان بومی، حشرات و پرندگان آن منطقه و حتی خاک آن اثر منفی می گذارند؛ به طور مثال، خاک را اسیدی یا خنثی شور می کنند، بنابراین در همه حالت تأکید بر استفاده از درختان بومی است که این مسائل و مشکلات را ندارند.

این استاد دانشگاه درباره دلایل دیگری که استفاده از گیاهان بومی ارجح است، بیان می کند: درختان بومی مادر یک منطقه خشک معمولاً رشد کندتری دارند و این به معنای هرس کمتر و کربن کمتر در هواست. این درختان عمر طولانی تری دارند و کربن هوا را برای مدت بیشتری در خودشان حبس می کنند. در مقابل درختان سریع الرشد کربن کمتری جذب می کنند و زودتر این کربن را به هوا برمی گردانند. هر درختی که به این سبک رشد کند، عمر کمتری هم دارد. درختان بومی ما با این روش، چند صد سال و بعضی گونه ها چند هزار سال عمر می کنند.

فرهنگ ایرانی است. ناصری درباره آرامگاه فردوسی و کاشت گونه های خارجی در آن نیز می گوید: با نگاهی دقیق تر باید این موضوع را در نظر داشت که فردوسی یک نماد ملی است و یکی از نشانه هایی است که ایرانی ها را با آن می شناسند. این شاعر پارسی گوی همه همتش را برای پاسداشت زبان فارسی می کند؟

یزدانی که با تلاش زیاد چند اصله «آرس» در محوطه آرامگاه کاشته است، می گوید: به خاطر قوانین میراث فرهنگی نمی توان به راحتی در این باغ دست برد. حدود یک سال پیش با تلاش زیاد چند درخت آرس را که در منطقه کلات و درگز، گونه ای بومی است و با سختی آن را احیا کردیم، در محوطه آرامگاه کاشتیم. ما زحمت بسیار کشیدیم تا این درخت منقرض نشود و آن را به صورت نمادین در آرامگاه کاشتیم تا دیگران از احتمال انقراض آن آگاه کنیم. فردوسی نماد زنده کردن زبان فارسی بوده است و باید آرامگاه او در باغی باشد که همه گونه هایش بومی و ایرانی است.

پوشش گیاهی آرامگاه باید در شان فردوسی باشد

کمال الدین ناصری، اکولوژیست و عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست دانشگاه فردوسی مشهد، نیز نظرات یزدانی را تأیید می کند و درباره اهمیت دادن به کاشت گیاهان بومی، می گوید: از یک سو، جنگل داری شهری ما باید به اصول محیط زیستی و اکولوژیک متعهد باشد. گیاهان بومی ما بسیار کم نهاده تر و کم تور تر از گیاهان خارجی هستند. به این معنا که آن ها با شرایط محیطی مانند خاک، وضعیت آب و اقلیم سازگار تر ند و در مقابل آفت هایی که در عرصه هستند، مقاومت بیشتری دارند. آن ها در محیط طی میلیون ها سال تکامل یافته و از آزمون های سخت محیطی سر بلند بیرون آمده اند و با کمترین توقع، بیشترین بازدهی را دارند. در مقابل، گیاهان وارداتی غیر بومی، پرتوقع تر هستند و نهاده بیشتری